دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان وحی
سال سیزدهم/ شماره ۲۱/ بهار و تابستان ۱۴۰۱

Bi-quarterly Journal Specialized Guftman-e Wahy
twelfth, Year 13 , No 21, Spring & Summer 2022

بررسی شبهه‌ای خاورشناسان بر نقد تثلیث قرآنی

□ رحمت الله حمیدی *

چکیده

تثلیث یکی از مهمترین باورهای کلامی مسیحت است. این باور توسط قرآن کریم مورد نقد گرفته است. عده ای از اندیشمندان مسحیت بر این باورند که تصویر تثلیث در مسحیت غیر از تصویر تثلیث است که در قرآن کریم مطرح شده است. و انچه قرآن کریم مطرح نموده است شرک است و مسحیت باور ندارد. ولی آنچه که مسحیت بر آن باور دارد؛ شرک نیست بلکه عین توحید است. این تحقیق با توجه به انواع تصویر سازی تثلیث از منظر قرآن کریم پرداخته است و به اشکال عده ای از خاورشناسان بر تصویر تثلیث قرآن کریم پاسخ داده است.

کلید واژه: تثلیث روح القدسی، تثلیث مریمی، تثلیث قرآنی، خاورشناسان

*. دانش پژوه سطح چهار، رشته فقه و معارف گرایش تفسیر وعلوم قرآن.

مقدمه

ادیان توحیدی (اسلام و مسحیت و یهودیت) قائل به خدای یگانه است و هرگونه دوئیت را در مورد خداوند شرک و کفر می داند. یکی از اشکالات که بر مسحیان وارد شده است که آنها بر خلاف دین شان قائل به تثلیث است و خدای واحد را یکی از سه نفر می داند و این باور خلاف توحید می باشد. مسحیان باور به «تثلیث» را یکی از اساسی ترین باورهای اعتقادی شان میداند که از اهیمت زیاد در بین آنان برخورد است و هر کار با این تثلیث (پدر و پسر و روح القدس) شروع می کند. اگرچه از نگاه علقی باور به تثلیث مردود است و سر از تناقض در می آورد ولی مسیحیان این را یک راز می دانند که فقط با ایمان به آن قابل درک است. قرآن کریم به عنوان آخرین منبع قطعی وحیانی این تثلیث را مردود دانسته قائلین به چنین باور شرک آلود را مشرک و کافر می داند. عده از مسحیان و مستشرقان تثلیث را که قرآن کریم بیان کرد فهم نادرست قرآن کریم و پیامبر اسلام از تثلیث مسحیت دانسته اند و دیدگاه قرآن را متوجه تثلیث مسحیت نمی دانند. آنان می گویند که قرآن کریم تثلیثی را به مسیحیت نسبت داده که مسیحیان چنین باور ندارند بلکه مسحیان قائل به تثلیث روح القدسی است در حال قرآن کریم تثلیث مریمی را به مسیحان نسبت می دهند. هم چنین اشکال کرده اند که قرآن کریم خود قائل به شرک است و خداوند را یکی از سه نفر و یا یکی از پنج نفر معرفی مکنند و این را مخالف با توحید نمی داند در حال که باور به تثلیث مسیحت را کفر و شرک می داند.

تثلیث که در میان فرقه های مسحیت (کاتولیک، ارتودوکس و پروتستان) رایج هست تثلیث روح القدسی است. و آنچه قرآن کریم بیان نموده است تثلیث مریمی است. و اکنون مسئله این است آنچه قرآن کریم بیان کرده اند به ظن بعضی خاورشنان غیر از تثلیث مسحیت است و قرآن کریم و پیامبر اکرم درک درستی از تثلیث در مسحیت نداشته اند. لذا تثلیث در مسیحت خلاف واحدانیت خداوند نیست. بلکه خود قرآن کریم قائل به تثلیث است که سر از شرک در می آورد. این تحقیق برای پاسخ به این شبهه ابتدا به مفهوم تثلیث در مسحیت و سپس به تثلیث در قرآن کریم و بعد به تبیین شبهه و پاسخ به آن می پردازند.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی در اسلام و مسیحیت در مورد تثلیث از منظر قرآن و مسیحیت صورت گرفته است. و هم چنین تحقیق پیرامون حضرت مریم (س) که در قرآن کریم یکی از سه ضلع تثلیث بیان شده نیز تحقیق صورت گرفته است که بیان قرآن می تواند ناظر به آن عده باشد که قائل به الوهیت حضرت مریم (س) بوده است. مقالات تحت عناوین زیز به رشته تحریر در آمده است. «الوهیت حضرت مریم، باوری مسیحی یا تهمتی تاریخی»، محمدجواد نیکدل و «تثلیث مریمي یا تثلیث روح القدسي؛ کداميك مورد انکار قرآن» حسین نقوی. و «ارزیابی و تحلیل الوهیت حضرت مریم (س) در سنت مسیحی و تفاسیر اسلامی» فتح الله نجار زاده گان. در این پژوهش ها به الوهیت و ضلع سوم تثلیث پرداخته شده است. و انچه که مورد تحقیق می باشد نقد مستشرقان بر تصویر سازی قرآن کریم از تثلیث است که عده‌ای ان را نپذیرفته‌اند. پرداختن به این مسئله خود می تواند نو باشد و از زاویه نقد خاورشناسان و متکلمان مسیحی بر تصویر و تبیین تثلیث قرآن کریم مورد تحقیق قرار بگیرد که رسالت این تحقیق بررسی نقد مستشرقان بر تبیین و تصویر سازی قرآن کریم از تثلیث می باشد تا این خلأ پُر شود. این تحقیق صورت کتابخانه‌ای مورد این مسئله را مورد بررسی قرار می‌دهد.

مفاهیم (تثلیث در مسحیت و قرآن)

تثلیث و اقنوم و روح القدوس

واژه «تثلیث» از ریشه ثلث در لغت به معنای سه بخش کردن، سه یکی کردن، سه گوشه کردن و سه کردن است. (بیهقی، ۱۳۷۵، ص. ۱۱٦) (صفی پوری، ۱۲۹۷، ص. واژه تثلیث.)

واژه «اقنوم» [اُ / اَ] (اِ) لغت سریانی یا یونانی است که به اصل هر چیزی گفته می‌شود و جمع آن اقانیم است. نصاری بر این باورند که اقنوم عبارت از ظهورات باری تعالی است (اب و ابن و روح القدس) اشاره بدوست و اقنوم سه است اقنوم وجود و اقنوم علم و اقنوم حیات و اینها را نه عین ذاتند و نه زاید بر ذات . آنها از وجود به پدر و از حیوة بروح القدس و از علم به کلمه تعبیر کرده و می گویند: اقنوم کلمه در حضرت عیسی با وجود او یکی شده و در ذات او علیه السلام حلول یافته است. (دهخدا، ۱۳۹۰، ص. واژه تثلیث.)

احمد خاتمی در فرهنگ علم کلام آورده است که «اقنوم: به معنی اصل، جوهر و شخص است. اقانیم سه‌گانه در اعتقادات مسیحیان، عبارت از پدر، پسر و روح القدس است. در نظر حکمای اسکندریه، اقانیم سه‌گانه عبارت است از نفس کلی، عقل، واحد. و در حکمت قدیم اقنوم به معنی حقیقت وجودی، به کار میرفته است. کلمه اقنومی بمعنی جوهری است. (خاتمی، ۱۳۷۰, ص. ٦٧)

تثلیث یکی از اصول اعتقادی مسیحیت است که بر اساس آن مسیحیان باور دارند که از ازل، الوهیت و خدائیت را سه شخص با هم و همزمان داشته‌اند؛ این سه شخص عبارتند: از پدر، پسر و روح‌القدس. یعنی مسیحیت از یك سو خداوند را واحد می‌داند و از سوی دیگر برای ذات او سه جلوه (یا اقنوم) قائل است. (۱. خدای پدر (ابّ) که خالق جهان است ۲. خدای پسر (ابن) که همان مسیح است. ۳. خدای روح القدس که خدای فعال است و در دل بندگان، حیات می‌دمد.) (هاشمی شاهرودی، ١٤٢٦، ص. ٣٤٨.)

مفهوم روح‌القدس

معنی روح القدس در مسیحیت با مفهوم آن در اسلام تفاوت دارد. از دیدگاه سنت مسیحی و کتاب‌های مقدس، روح‌القدس، فرشتهٔ خدا یا آفریده‌ای از آفریدگان و جدای از خدا نیست. به عقیدهٔ مسیحیان وی خود خداست که در قلوب مردم و در جهان زیست می‌کند و به عمل اشتغال دارد. او وجود توانا و فعال خدا در جهان است. او بود که عیسی را در شکم مادر قرار داد. روح‌القدس جامعه مسیحیت را ارشاد می‌کند، تعلیم می‌دهد، رازهای خدا را می‌گشاید و به نویسندگان کتاب‌های مقدس الهام می‌بخشد .

پس تثلیث در لغت به معنی سه یکی کردن و سه بخش کردن است و در اصطلاح یکی از اصول اعتقادی مسیحیان است. مسیحیان بر این باورند که از ازل الوهیت و خدائیت را سه اقنوم با هم و همزمان بوده‌اند که عبارتند از: خدای پدر و پسر و روح القدس. و قائلند که این ها در ذات یکی هستند.

تثلیث در مسحیت

مهم ترین و شناخته ترین ویژگی خداوند در مسیحیت سه پاره بودن آن است؛ باوری که معمولا از آن

«تثلیث» یا می شود. مسیحیان وقتی از وجود و یا ایمان به خدا سخن می گوید مراد شان خدایی واحد و حقیقی که در همه جا حاضر و متعالی است و در تثلیث اقدس یعنی پدر و پسر و روح القدس ظاهر شده است. که با یکدیگر برابر بوده و دارای موجودیتی جدا از یک دیگر می باشد، اگر چه در ذات با یکدیگر برابر هستند. شخص پدر خالق و به وجود آورنده تمامی کائنات است. شخص پسر ظاهر کننده خدای نادیده است. شخص روح القدس کنترل کننده دنیا و ساکن در قلب مومنان به عیسی مسیح است. (صادق نیا، ۱۳۹۸، ص. ۲۰۷)

اگوستین یکی از نظریه پردازان بزرگ کلام مسیحی در تفسیر تثلیث هرجا به مشکل برخورده است آن را مسئله ایمانی قلمداد نموده است. اگر چه اگوستین کوشیده است که مانند دیگر متکمان کاتولیک تثلیث را از منظر عقلی اثبات کنند. برای این هدف مانند دیگر متکلمان از وحدت جوهر شروع می‌کند و پس از آن به رابطه سه فرد با یکدیگر و خصوصیات آنها می‌پردازد. البته همان طور که ذکر گردید هر جا که توضیحاتش به نظرش قانع کننده نیست، اعلام می‌کند که این مساله، مساله ایمانی است، و هر چه هم که در این باره توضیح داده شود، از لحاظ عقلی نمی توان آن را تبیین کرد، و باید به این مسئله ایمان آورد تا آن را فهمید.

به نظر اگوستین تثلیث، خدای یگانه و حقیقی است و پدر، پسر و روح القدس از یک جوهر یا یک ذات هستند. او معتقد است که این سه اقنوم سه خدا نیستند بلکه فقط یک خدایند و خدا واحد است نه کثیر. ایشان معتقد است که این سه اقنوم در همه خصوصیات، این همانی ندارند بلکه خصوصیات منحصر به فردی را نیز ذکر می‌کند و می‌گوید: پدر، سرچشمه و منبع وجود (being of Source) است، مسیح، نجات دهنده (Redeemer) و روح القدس، تقدیس کننده (Sanctifer The) است. (شاهد، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۲)

یکی از باورهای پیچیده و ابهام آور در مسحیت باور به تثلیث و اقنوم ثلاثه است. و انچه از کتب کلامی مسیحت استفاده می‌شود حاکی از آن است که باور به تثلیث از مسائل آساسی در مسحیت است که باید همه مسیحیان معتقد به آن باشد. باور مسئله تثلیث در مسیحت یک مسئله تعبدی و خارج از تحلیل عقلی است. چرا که مسیحیان باور به تثلیث را فوق اندیشه تصورات بشر و خارج از ادراکات مادی می‌داند و گمان می‌کنند که حقیت تثلیث فوق ادراکات و تصورات مادی است.

تثلیث در قرآن

واژه «تثلیث» در قرآن کریم به نیامده است. ولی دوبار مفهوم اصطلاحی تثلیث در قرآن آمده است. و اعتقاد مسحیت به الوهیت حضرت عیسی و تثلیث را نقد نموده و اندیشه ای غلو آمیز و کفر آلود خوانده است. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن. واژه تثلیث.)

قرآن کریم در سوره نساء باور به تثلیث را غلو آمیز می خواند:

«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لاَ تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلاَ تَقُولُوا عَلَى اللهِ إِلاَّ الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللهِ وَرُسُلِهِ وَلاَ تَقُولُوا ثَلاَثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلا.»

ای اهل کتاب! در دین خود غلوّ [و افراط] نورزید، و نسبت به خدا جز حق مگویید جز این نیست که مسیح عیسی بن مریم فرستادهٔ خدا و کلمهٔ اوست که به مریم القا کرد و روحی از سوی اوست؛ پس به خدا و فرستادگانش ایمان آورید، و مگویید: [خدا] ترکیبی از سه حقیقت [اَب، اِبن و روح القدس] است [از این عقیدهٔ باطل] خودداری کنید که به خیر شماست جز این نیست که خدا معبودی یگانه است منزّه و پاك است از اینکه فرزندی برای او باشد آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است فقط در سیطرهٔ مالکیّت و فرمانروایی اوست، و خدا از نظر کارسازی [همه امور آفرینش] کافی است» (النساء/۱۷۱)

هم چنین در سوره مائده اعتقاد مسحیت به ثالوث را باور کفر آمیز می داند:

«لَّقَد كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ ثَالِثُ ثَلَٰثَةٖ وَمَا مِنۡ إِلَٰهٍ إِلَّآ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ وَإِن لَّمۡ يَنتَهُواْ عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ* أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى ٱللَّهِ وَيَسۡتَغۡفِرُونَهُۥۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ* مَّا ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ مَرۡيَمَ إِلَّا رَسُولٞ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِ ٱلرُّسُلُۖ وَأُمُّهُۥ صِدِّيقَةٞۖ كَانَا يَأۡكُلَانِ ٱلطَّعَامَۗ ٱنظُرۡ كَيۡفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ ثُمَّ ٱنظُرۡ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ.»

آنان که گفتند: خدا یکی از [این] سه تاست [پدر، پسر، روح] یقیناً کافر شدند، و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست و اگر از آنچه می گویند بازنایستند، قطعاً به کسانی از آنان که [به سبب چنین اعتقادی] کافر شدند، عذابی دردناك خواهد رسید* آیا به سوی خدا بازنمی گردند، و از او درخواست آمرزش نمی کنند؟ و حال آنکه خدا بسیار آمرزنده و مهربان است* مسیح، فرزند مریم جز

فرستاده ای [از سوی خدا] نیست که پیش از او هم فرستادگانی گذشته اند و مادرش زن بسیار راستگو و درستکاری بود هر دو [مانند انسان های دیگر] غذا می خوردند با تأمل بنگر چگونه نشانه ها را برای آنان بیان می کنیم [تا بدانند متولد شدگان و نیازمندان به خوراك، خدا نیستند]؛ سپس با تأمل بنگر که آنان چگونه [از حق به باطل] منحرف می شوند؟!» (المائده/۷۳۷۵)

و هم چین کسانی که حضرت مسیح را خدا می‌داند کافر دانسته و می‌فرماید:

«لَّقَد كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلمَسِيحُ ٱبنُ مَريَمَ قُل فَمَن يَملِكُ مِنَ ٱللَّهِ شَيـًٔا إِن أَرَادَ أَن يُهلِكَ ٱلمَسِيحَ ٱبنَ مَريَمَ وَأُمَّهُۥ وَمَن فِي ٱلأَرضِ جَمِيعا وَلِلَّهِ مُلكُ ٱلسَّمَوَتِ وَٱلأَرضِ وَمَا بَينَهُمَا يَخلُقُ مَا يَشَاءُ وَٱللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيءٖ قَدِير.»

مسلماً آنان که گفتند: خدا همان مسیح، فرزند مریم است یقیناً کافر شده اند بگو: اگر خدا بخواهد، مسیح و مادرش و تمام کسانی که در روی زمین اند، هلاك کند، چه کسی می تواند در برابر اراده و قدرت او بایستد؟ و مالکیّت و فرمانروایی آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار دارد، فقط در سیطرهٔ خداست، هر چه را بخواهد می آفریند، و خدا بر هر کاری تواناست» (المائده/۱۷)

قرآن کریم در آیات متعدد اندیشه تثلیث را به نقد کشیده و مبانی و زمینه‌های پیدایش ایده الوهیت مسیح (ع) را از اساس به چالش می‌کشد:

۱. قرآن بر مخلوق بودن مسیح (ع) تصریح کرده، آفرینش او را همانند خلقت آدم(ع) می‌خواند (آل عمران/۵۹) یعنی اگر آفرینش غیر عادی (بدون پدر یا مادر) دلیل بر الوهیّت باشد، باید درباره آدم(ع) نیز چنین پنداشته شود، در حالی که مسیحیت، به الوهیّت و فرزند خدا بودن وی اعتقاد ندارند. (طباطبائی، ۱۳۷۸، ص. ۲۱۲)

شماری دیگر از آیات با صراحتی بیشتر از ویژگی‌ها، نیازمندی‌ها و ناتوانی‌های مسیح(ع) یاد کرده، افزون بر ارائه تعریفی درست از معنای الوهیّت، شخصیتی بشری از مسیح(ع) را به تصویر می‌کشد که هرگز با الوهیّت او سازگار نیست. نفی صریح هرگونه شأنی فراتر از «رسول» بودن برای وی، تصریح بر غذاخوردن او و مادرش و فقدان هرگونه مالکیتی نسبت به سود و زیان مردم از این قبیل است (المائده/ ۷۵ و ۷۶) (طوسی، ۱۳۸۹، ص. ج۳، ص۶۰۵، ۶۰۷) و (فخر رازی، ۱۴۲۰ ه.ق. ص. ج۱۲، ص۶۱.)

۲. قرآن تصریح می‌کند که اگر خداوند بخواهد مسیح(ع) و مادرش و همه ساکنان روی زمین را نابود کند، احدی نمی‌تواند بر قدرت و اراده خدا اثر گذاشته و از آن جلوگیری کند. (المائده/۱۷). با این اوصاف، ایده این همانی الله با مسیح(ع) به شدت رد می‌شود. (طباطبائی، ۱۳۷۸، ص. ج۳؛ ۲٤٦)

۳. قرآن تصریح می‌کند که همه معجزات مسیح(ع)، از جمله زنده کردن مردگان، با اذن و قدرت الهی انجام پذیرفت. (آل عمران/ ٤۹. المائده/۱۱۰) (طباطبائی، ۱۳۷۸، ص. ج۳، ص۲۹۲-۳۰۵.)

٤. در قرآن‌کریم اینکه اعتقاد به الوهیّت مسیح(ع) ریشه در سخنان و تعالیم آن حضرت داشته باشد به اشکال مختلف رد شده است؛ با این بیان که او همانند دیگر پیامبران، ضمن دعوت مردم به توحید و یگانه‌پرستی، آنان را از شرک بازداشته‌و نسبت به پیامدهای ناگوار آن هشدار می‌داد. (آل عمران/۵۱ و النساء/۱۷۲ و المائده/ ۱۱٦و۱۱۷) اساساً انسان برگزیده به عنوان پیامبر و برخوردار از کتاب آسمانی و حکمت الهی، هرگز ادعای الوهیّت نکرده و مردم را به کفر و شرک فرانمی‌خواند (آل عمران/۷۹و۸۰)، زیرا تربیت، هدایت و شخصیت الهی او چنین اجازه‌ای نمی‌دهد.

۵. قرآن در حوزه انسان‌شناسی نیز مصلوب و کشته شدن مسیح(ع) (النساء/۱۵۷) و آموزه‌های اساسیِ گناه نخستین، گناهکار بودن ذات بشر (بقره/۳۷و۳۹. طه/۱۲۲) ، فدیه (بقره/۲۵۲) نجاتبخشی و در نتیجه تجسّد و تثلیث را دچار چالش و نقدهای بنیادین می‌کند. (اسدی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن؛ واژه تثلیث.)

قرآن کریم اندیشه تثلیث را که مسیحت بر آن باور دارد؛ کفر آمیز و غلو خوانده و آن را باطل و حرف از روی هوا وهوس و بدون دلیل می داند. با نقد تثلیث مبانی اندیشه مسیحت را به چالش کشیده و حضرت مسیح را آفریده شده مانند حضرت آدم و بنده خویش معرفی کند که نه تنها چنین باور نداشته بلکه ایشان انسان موحد و فرستاده الهی؛ بنده خداوند بوده است.

اشکال مستشرقان بر بیان تثیلث قرآن ایه ۷۳ سوره مائده

اندیشمندان مسیحی به انتقادهای قرآن از الوهیت و تثلیث در مورد حضرت عیسی واکنش نشان داده و چنین مجادله می کنند که قرآن کریم تصویری درست از تثلیث و باور مسیحیان نداشته و آنچه که قرآن از تثلیث به تصویر کشیده اند مسیحیت به آن باور ندارد. متفکران مسیحی به دو آیه از قرآن استدلال نموده و سه روی کرد را در پاسخ به انتقاد قرآن از تثلیث بیان کرده اند.

۱. قرآن کریم تثلیث مریمی را بیان نموده است درحال که مسیحیان قائل به تثلیث روح القدسی است. قرآن کریم می‌فرماید:

۲. «وَ إِذْ قالَ اللَّهُ يا عيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمِّيَ إِلهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قالَ سُبْحانَكَ ما يَكُونُ لي أَنْ أَقُولَ ما لَيْسَ لي بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ ما في نَفْسي وَ لا أَعْلَمُ ما في‌نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلاَّمُ الْغُيُوبِ.» (۵/ ۱۱۶)

این آیه و آیات متعددی دیگر که همسر و فرزند را از الله نفی می‌کند و چنین می‌رساند که تثلیث مورد نظر قرآن به عنوان (پدر و پسر و مادر) خدای پدر و خدای پسر و خدای مادر ترسیم شده است که از نگاه مسحیت چنین تثلیث مورد پذیرش نیست.

۳. رویکرد دیگری را که مطرح کرده اند این است که بیان تثلیث قرآن که خدا را سومی از دوتا می‌داند با باور مسیحیت که خدا را یکی از سه تا و سه تا از یکی می داند تفاوت دارد. قرآن کریم می‌فرماید:

«لَقَدْ كَفَرَ الَّذينَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ ثالِثُ ثَلاثَةٍ وَ ما مِنْ إِلـهٍ إِلاَّ إِلـهٌ واحِـدٌ وَ إِنْ لَـمْ يَنْتَهُـوا عَمَّـا يَقُولُـونَ لَيَمَسَّـنَّ الَّذينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذابٌ أَليمٌ» (۷۳/۵)

اندیشوران مسیحسی می‌گوید ما بر این باور نیستیم که خداوند یکی از سه تا است. بلکه ما یک خدا را در سه شخص را ترجح می‌دهیم که این تعبیر با تعبیر قرآن متفاوت هست. مثلاً الکندی ضمن بیان این ادعا می‌گوید که مسیحیت معتقد نیست «خدا یکی از سه تاست» یا اینکه «سه خدا وجود دارد» و عقیدة درست مسیحیت را «یک خدا در سه شخص» میداند. (عکسری، پاییز ۱۳۹۶، ص. ۹۵.)

یکی از دلائل که شرق شناسان تثلیث قرآن را نا درست می داند این است که آنها بر این باور است که پیامبر اکرم (ص) انجیل را نزد اعراب مکه تعلیم دیده است و برای همین دچار اشتباه شده است. رودی پارت (Rudi paret) شرق شناس معاصر آلمانی در این باره می نویسد: «پیامبر اسلام اطلاعات ناقص و غلطی از عقاید و تاریخ مسیحیّت ارائه داده که دین مسحیّت آنها را تخطئه می کند، مانند انکار صلیب شدن حضرت مسیح و آن که تثلیث مسیحیّت به معانی خدای الله و مسیح و مریم است؛ نه اب و ابن و روح القدس. این اشتباهات حاکی از آن است که پیامبر اسالم این اطّلاعات را از مردم مکه در یافت کرده؛ مرمانی که اطلاعات شان نسبت به مسیحیّت بسیار اندک و غلط بوده است». (حمدي زقزوق، ۱۹۷۰، ص. ۸۳) (معارف، ۱۳۹٤، ص. ۱۲۳.)

خاورشناسان و متکلمین مسیحی دو اشکال بر نقد قرآن کریم ایراد کرده اند. یکی اینکه آنها تثلیث روح القدسی را مطرح کرده اند و قرآن کریم تثلیث مریمی را. و لذا این مخالف باور مسحیت است. دوم اینکه مسیحیان بر این باورند که قرآن و پیامبر اکرم تثلیثی را ترسیم نموده که مسحیت به آن مقعتد نیست. لذا این اشکال متوجه مسیحت نیست بلکه فهم قرآن کریم و پیامبر اسلام از تثلیث در مورد مسیحت نادرست بوده است.

پاسخ اشکال مستشرقان

قرآن کریم برای رد تثلیث و الوهیت حضرت عیسی و مادرش مریم در چند مرحله و با نگاه جامع هر نوع شریک قرار دادن برای خدا نفی کرده و آن مردود اعلان نموده است. لذا دردو صورت می توان به شبهه پاسخ داد:

نفی مبانی اندیشه شرک آلود و تثلیث

نفی مبانی اندیشه شرک آلود و تثلیث در مورد خداوند و فرزند بودن حضرت عیسی(ع)

۱. نفی فرزند برای خدا: قرآن کریم در چندین مورد هر گونه فرزند داشتن خدا نفی می کند. قرآن کریم باور به فرزند خدا بودن حضرت مسیح(ع) را حرف بدون دلیل می خواند در سوره توبه آیه ۳۰ می خوانیم:

«وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ.»

«یهود گفتند عز یر پسر خداست و نصاری گفتند مسیح پسر خداست این سخنی است [باطل] که به زبان می آورند و به گفتار کسانی که پیش از این کافر شده اند شباهت دارد خدا آنان را بکشد چگونه [از حق] بازگردانده می شوند.»

۲. انکار خدای و الوهیت حضرت عیسی(ع) قرآن کریم در ایه ۱۷ سوره مائه می فرماید:

«لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِنْ أَرادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما يَخْلُقُ ما يَشاءُ وَ اللَّهُ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

۳. نفی اینکه حضرت عیسی و مادرش آفریده و بنده ای خداوند است. در سوره توبه ایه ۳۱ می‌فرماید: «اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ الْمَسيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ ما أُمِرُوا إِلاَّ لِيَعْبُدُوا إِلهاً واحِداً لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ سُبْحانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ.»

٤. حضرت عیسی(ع) خدا نیست بلکه مانند دیگر انسان ها از خاک آفریده شده است. و در این مور در سوره ال عمران ایه ۵۹ می‌فرماید: «إِنَّ مَثَلَ عيسى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ قالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.»

۵. هر گونه شریک قرار دادن برای خداوند مردود است و تثلیث شرک و قائلین به آن کافر می‌باشد. در این مسئله ایات ۷۳ تا ۷۵ سوره مائده ایشاره دارد.

انواع تصور تثلیث قرآن کریم

۱. تثلیث به کلی در مورد خداوند مردود است چه یک ضلع آن حضرت مریم باشد و یا روح القدس و یا هر چیزی دیگر اندیشه غلو آمیز و کفر است. در سوره مائده آیات ۷۳-۷۵ اعتقاد به تثلیث را باور کفر آمیز می داند:

«لَّقَد كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ ثَالِثُ ثَلَٰثَة وَمَا مِن إِلَٰهٍ إِلَّآ إِلَٰه وَٰحِد وَإِن لَّم يَنتَهُواْ عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنهُم عَذَابٌ أَلِيمٌ* أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى ٱللَّهِ وَيَستَغفِرُونَهُۥۚ وَٱللَّهُ غَفُور رَّحِيم* مَّا ٱلمَسِيحُ ٱبنُ مَريَمَ إِلَّا رَسُول قَد خَلَت مِن قَبلِهِ ٱلرُّسُلُ وَأُمُّهُۥ صِدِّيقَة كَانَا يَأكُلَانِ ٱلطَّعَامَۗ ٱنظُر كَيفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ ٱلأَيَٰتِ ثُمَّ ٱنظُر أَنَّىٰ يُؤفَكُونَ.»

آنان که گفتند: خدا یکی از [این] سه تاست [پدر، پسر، روح] یقیناً کافر شدند، و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست و اگر از آنچه می گویند بازنایستند، قطعاً به کسانی از آنان که [به سبب چنین اعتقادی] کافر شدند، عذابی دردناك خواهد رسید* آیا به سوی خدا بازنمی گردند، و از او درخواست آمرزش نمی کنند؟ و حال آنکه خدا بسیار آمرزنده و مهربان است* مسیح، فرزند مریم جز فرستاده ای [از سوی خدا] نیست که پیش از او هم فرستادگانی گذشته اند و مادرش زن بسیار راستگو و درستکاری بود هر دو [مانند انسان های دیگر] غذا می خوردند با تأمل بنگر چگونه نشانه ها را برای آنان بیان می کنیم [تا بدانند متولد شدگان و نیازمندان به خوراك، خدا نیستند]؛ سپس با تأمل بنگر که

آنان چگونه [از حق به باطل] منحرف می شوند؟!.»

۲. تثلیث خاص که یک ضلع آن حضرت مریم مادر مسیح باشد نیز مردود است. بعضی از مسیحیان قائل به الوهیت حضرت مریم بوده اند. قرآن کریم در سوره نساء باور به الوهیت حضرت مریم (س) را غلو آمیز می خواند

«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لاَ تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلاَ تَقُولُوا عَلَى اللهِ إِلاَّ الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللهِ وَرُسُلِهِ وَلاَ تَقُولُوا ثَلاَثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلا.»

ای اهل کتاب! در دین خود غلوّ [و افراط] نورزید، و نسبت به خدا جز حق مگویید جز این نیست که مسیح عیسی بن مریم فرستادهٔ خدا و کلمهٔ اوست که به مریم القا کرد و روحی از سوی اوست؛ پس به خدا و فرستادگانش ایمان آورید، و مگویید: [خدا] ترکیبی از سه حقیقت [اَب، اِبن و روح القدس] است [از این عقیدهٔ باطل] خودداری کنید که به خیر شماست جز این نیست که خدا معبودی یگانه است منزّه و پاك است از اینکه فرزندی برای او باشد آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است فقط در سیطرهٔ مالکیّت و فرمانروایی اوست، و خدا از نظر کارسازی [همه امور آفرینش] کافی است » و هم چنین قران کریم در سوره مائده آیه ۱۱٦ در مورد الوهیت حضرت مریم ایشان را مورد مؤاخذه قرار داده می فرماید:

«وَ إِذْ قالَ اللَّهُ يا عيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُوني وَ أُمِّيَ إِلهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قالَ سُبْحانَكَ ما يَكُونُ لي أَنْ أَقُولَ ما لَيْسَ لي بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ ما في نَفْسي وَ لا أَعْلَمُ ما في نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلاَّمُ الْغُيُوبِ.».

نتیجه:

ازمطالب نوشته شده چنین نتیجه می گیریم که شبهه مستشرقان و متکلمان مسیحی بر نقد تثلیث قرآنی وارد نیست چرا که:

اولا قرآن کریم به صورت کلی هرنوع شریک قرار دادن را برای خداوند مردود و قائلین به آن را کافر و غلو آمیز می داند. لذا اندیشه تثلیث یک اندیشه کفر آمیز و به دور از عقل می باشد مردود است چه انکه یک ضلع آن حضرت مریم باید و یا روح القدوس و یا هر کسی و هر شئ دیگری تفاوت نمی کند. چون خداوند به بیان قرآن و عقل نه شریک بردار است و نه صاحب ولد و فرزند. پس هر اندیشه که از آن بوی شرک برآید مردود می باشد.

ثانیا قرآن کریم به صورت خاص کسانی را که قائل به الوهیت حضرت مریم بودند نیز مورد خطاب قرار داده است و اندیشه آنان را کفر آمیز و باطل می داند. این ادعای برخی مستشرقان که مسیحیت قائل تثلیث مریم نیست مردود است چراکه بخشی از مسیحیت قائل به الوهیت حضرت مریم مادر عیسی سلام الله علیهما بوده اند و قرآن آنان را مورد خطال قرار داده و باورشان را مورد نقد قرار داده و باطل اعلام نموده است.

کتابنامه

قرآن کریم

اسدی، ع، مرکز فرهنگ و معارف قرآن؛ (بدون تاریخ) **دائره المعارف قرآن کریم**،. قم.: ناشر بوستان کتاب.

حمدي زقزوق م. (۱۹۷۰). **الاستشراق والخلفية الفكرية للصراع الحضاري**. مصر: دارالمنار.

شاهد ع. (۱۳۹۳). **صفات خدا در کلام اسلامی و کلام مسیحی** (قرون وسطا). قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).

طباطبائی ع. (۱۳۷۸). **المیزان فی التفسیر القرآن**. قم: اسماعیلیان، دار الکتب الاسلامیه.

آگوستین ا. (۱۹۹۹). Encyclopedia. .

بیهقی ا. (۱۳۷۵). ، **تاج المصادر**، ج۱. تهران: چاپ هادی عالم زاده.

خاتمی، ا. (۱۳۷۰). **فرهنگ علم کلام**، . تهران: انتشارات صبا.

دهخدا، ع. س. (۱۳۹۰.). **لغت نامه**. ج. ۱. تهران : دانشگاه تهران.

صادق نیا م. (۱۳۹۸). **قرآن و کتاب مقدس مقایسه ساختار و محتوا**. قم: مرکز نشر هاجر چاپ چهارم.

صفی پوری ع. (۱۲۹۷). ، **منتهی الارب فی لغة العرب**. تهران: چاپ افست ۱۳۷۷.

طوسی، م. (۱۳۸۹). **التبیان في تفسیر القرآن**، ج۳. لبنان - بیروت: دار إحیاء التراث العربي ، چاپ: ۱.

عکسری ا. (پاییز ۱۳۹٦). **الوهیت عیسی اصلیترین مناقشة قرآن و مسیحیت**. فصلنامة فلسفه و کلام اسلامي؛ آینة معرفت؛ سال هفدهم، شمارة پنجاه و دوم, ۹۱-۱۰۸.

فخر رازی م. (۱٤۲۰ ه.ق.). **التفسیر الکبیر** (مفاتیح الغیب). لبنان - بیروت، چاپ: ۳،: د، دار إحیاء التراث العربي .

مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (بدون تاریخ). **دائره المعارف قرآن کریم**. قم: ناشر بوستان کتاب.

معارف د. م. (۱۳۹٤). **شناخت قرآن دفتر اول قرآن و خاور شناسان**. تهران: موسسه فرهنگی نبأ.

هاشمی شاهرودی، م. (۱٤۲٦). **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت** (ع). ج. ۲. قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.